

The Study of Factors Affecting the Level of Fear of Crime in Residential Neighborhoods, a Study on Scarcity Trap Theory (Case Study: Ahwaz city)

Rostam Saberifar

Associate, Prof. Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Social Sciences, Payamnour University, Tehran, Iran.

Abstract

This study tries to show which factors contribute to the fear of crime and what components can limit this problem or make it ineffective in general. The method is a survey and examines and compares the fear of crime and individual factors and related neighborhoods among the neighborhoods of Ahvaz. The required information was collected from a sample of 300 residents of Ahvaz with a researcher-made questionnaire. These data were analyzed using various software, especially SPSS software. The results showed that despite the difference in the effect of the studied variables between different neighborhoods, among the individual variables, gender had a significant relationship with fear of crime and women reported more fear of crime than men, and this situation for ethnic groups. There were more non-Arabs than Arabs. Other individual variables had no significant relationship with fear of crime. On the other hand, neighborhood-related variables such as rudeness, neighborhood attachment, neighborhood quality, and crime perception in the neighborhood were significantly associated with fear of crime. In multivariate regression, only the benzene variable was included in the model and was able to explain 21% of the dependent variable changes. According to the findings of the study, since the characteristics of the neighborhood are more important than demographic and individual variables, it can be said that crime prevention through environmental design can reduce fear of crime.

Keywords: Ahvaz, fear of crime, scarcity of livestock, neighborhood variables, residential neighborhoods

Citation: Saberifar, Rostam (2022). The study of factors affecting the level of fear of crime in residential neighborhoods, a study on scarcity trap theory (Case study: Ahwaz city). *Urban and Regional Policy*, 1(1), 29-44.

مطالعه عوامل اثرگذار بر میزان ترس از جرم در محلات مسکونی با نگاهی به نظریه دام کمیابی (نمونه موردی: شهر اهواز)

رستم صابری فر

دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران. رایانامه:
saman_abizade@yahoo.com

چکیده

این مطالعه سعی دارد نشان دهد کدام عوامل به ترس از جرم دامن زده و چه مؤلفه‌هایی می‌تواند این مشکل را محدود نموده و یا آن را به‌طور کلی بی‌اثر سازد. روش کار، پیمایشی بوده و به بررسی و مقایسه ترس از جرم و عوامل فردی و محله‌ای مرتبط با آن در بین محلات شهر اهواز می‌پردازد. اطلاعات موردنیاز از نمونه‌ای ۳۰۰ نفری از ساکنین شهر اهواز و با پرسشنامه محقق ساخته، گردآوری شد. این داده‌ها، با استفاده از نرم‌افزارهای مختلف به‌خصوص نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که با وجود متفاوت بودن تأثیر متغیرهای مورد بررسی در بین محلات مختلف، از میان متغیرهای فردی، جنسیت رابطه معناداری با ترس از جرم داشته و زنان ترس از جرم را بیش از مردان گزارش کرده‌اند و این وضعیت برای قومیت‌های غیرعرب نیز بیش از عرب‌ها بوده است. سایر متغیرهای فردی رابطه معناداری با ترس از جرم نداشته‌اند. از سوی دیگر، متغیرهای مربوط به محله، از جمله بی‌نژادگی، دل‌بستگی به محله، کیفیت محله و درک جرم در محله به شکل معناداری با ترس از جرم رابطه داشته‌اند. در رگرسیون چندمتغیره نیز تنها متغیر بی‌نژادگی وارد مدل شده و توانسته ۲۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نماید. با توجه به یافته‌های بررسی، از آنجایی که خصوصیات محله مهم‌تر از متغیرهای جمعیت‌شناختی و فردی است، می‌توان گفت که جلوگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، می‌تواند ترس از جرم را کاهش دهد.

کلیدواژه‌ها: اهواز، ترس از جرم، دام کمیابی، متغیرهای محله‌ای، محلات مسکونی

استناد: صابری فر، رستم (۱۴۰۱). مطالعه عوامل اثرگذار بر میزان ترس از جرم در محلات مسکونی با نگاهی به نظریه دام کمیابی (نمونه موردی: شهر اهواز). *سیاستگذاری شهری و منطقه‌ای*، ۱(۱)، ۲۹-۴۴.

مقدمه

پیشی گرفتن درصد جمعیت شهرنشین از گروه‌های روستایی و عشایری در سال‌های اخیر، توجه بسیاری از محققان را به شهر و زندگی شهری جلب نموده است. در میان موضوعات مورد توجه این گروه، جرم و جرم‌خیزی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و بیشتر مورد تاکید قرار گرفته است. چرا که مناطق شهری، جرم‌خیزترین و از همین رو، ترس آفرین‌ترین مکان‌ها به شمار می‌روند. به همین دلیل، پیشینه نظری این بخش از مطالعات بسیار قوی و غنی به نظر می‌رسد.

در بین مطالعات مورد اشاره، توجه به ترس از جرم بیش از سایر موارد بوده است. چرا که نتایج حاصل از مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که احساس امنیت (ذهنی) به اندازه خود امنیت (عینی) در جامعه کم بوده و در مواردی وجود ندارد (ربانی خوراسگانی و همتی، ۱۳۸۷: ۵۸). در واقع، ترس از جرم اگرچه روح خود را از جرم وام می‌گیرد؛ اما پدیده‌ای است مستقل و به‌غایت تأثیرگذار که حتی می‌تواند بر جرایم نیز از هر حیث تأثیر بگذارد. باین وجود، پدیده ترس از جرم، قابل رویت یا شمارش نیست. اما، بسیاری از رفتارها، سخن‌ها و افکار انسان برخاسته و یا تحت تأثیر ترس از بزه‌دیدگی است. واقعیتی که نه تنها بزه‌دیده و اطرافیان او که شئون مختلف جامعه را نیز متأثر می‌کند (نیکوکار؛ همت پور و غلامی، ۱۳۹۹: ۱۲). علاوه بر آن، ترس از جرم تأثیر قابل توجهی بر کیفیت زندگی دارد. در بین این تأثیرات، می‌توان به طور خاص، مسائلی چون احساس بی‌اعتمادی، عدم امنیت و آسیب‌پذیری را مورد اشاره قرارداد. باین وجود، این تأثیرات در سطح فردی باقی نمانده و سطوح اجتماعی را نیز متأثر می‌سازد (مایز؛ ۲۰۰۱: ۱۸۹). در همین راستا، بسیاری از محققان تاکید دارند که این ترس می‌تواند در تجزیه اجتماعات، کاهش توان مقابله اثربخش با فعالیت‌های مجرمانه و غیره، مؤثر باشد (تیلور؛ ۱۹۹۶: ۴۱). علاوه بر آن، احساس امنیت، پیش‌نیاز هرگونه توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی محسوب شده و آگاهی از وضعیت احساس امنیت ساکنان یک اجتماع، نقش مؤثری در شناخت چالش‌ها و راهکارهای توسعه یک جامعه داشته و در جهت تقویت زیرساخت‌های آن عمل می‌نماید (ایمانی و رحمتی، ۱۳۹۷: ۵۷). ترس از جرم، فضای زیست اجتماعی شهروندان را پرهزینه نموده، امکان تعامل و گفتگو و دادوستد رفتاری آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به‌گونه‌ای که شهروندان، ضمن پناه بردن به انواع سازوکارهای دفاعی، در پی نگرش‌های حاکی از ترس و بی‌اعتمادی، اقدام به تنظیم رفتار خویش با دیگران نموده، همواره از راهبرد یک گام به‌پیش و دو گام به پس جهت کسب حداکثر اطمینان از مصونیت خویش تبعیت می‌کنند. در این وضعیت، بی‌اعتمادی، جایگزین اعتماد، ناامنی جانشین امنیت، اضطراب و استرس جایگزین آرامش و وقار در قلمروی رفتار اجتماعی شهروندان می‌شود. گاه حتی پاک‌ترین و سنتی‌ترین گونه‌های روابط اجتماعی، مقهور تدابیر فوق‌العاده سخت جهت ایجاد احساس اعتماد می‌شوند (نیکوکار؛ همت پور و غلامی، ۱۳۹۹: ۹). درعین حال، اشاعه ترس از جرم، بی‌اعتمادی به نیروهای تأمین‌کننده امنیت و نیز رفتارهای مشارکت-جویانه در این ارتباط را مورد تردید قرار خواهد داد. تقویت اعتماد به نیروهای تأمین‌کننده امنیت و همچنین جلب بیشتر مشارکت مردم در اداره امور شهر، تنها بخشی از پیامدهای توجه به مسئله ترس از جرم و کاهش معنادار آن می‌باشد.

در حقیقت، ترس از جرم و افزایش احساس ناامنی، پیامدهای غیرقابل‌انکاری به دنبال دارد و می‌تواند بسیاری از فعالیت-

1. Mays

2. Taylor

های اقتصادی، اجتماعی و ... را تحت تأثیر قرار دهد. به همین دلیل، از اواخر دهه ۱۹۵۰، ترس از جرم به عنوان یک واقعیت اجتماعی که به اندازه خود جرم دارای اهمیت است، مورد توجه و امعان نظر قرار گرفت (احمدی، سروش و افراسیابی، ۱۳۸۸). با وجودی که در مطالعات ترس از جرم، عوامل و زمینه‌های متعددی مدنظر قرار می‌گیرد، اما تأکید بر ویژگی‌های فردی و محیطی از جایگاه مهم‌تری برخوردار است. سؤالاتی که در این ارتباط، ذهن محققان را به خود مشغول نموده است (والکیت؛ ۱۹۹۸: ۵۵۰)، عبارت‌اند از: مردم چه احساسی در مورد زندگی کردن در یک محله جرم‌خیز دارند؟ چه متغیرهایی بر این احساس تأثیر دارند؟ کدام جنبه از ویژگی‌های محله بیش از سایر موارد از این ترس تأثیر می‌پذیرد؟ چه رابطه‌ای بین ویژگی‌های فردی و ترس از جرم وجود دارد؟ بین جنبه‌های مهم محله (کیفیت محله و دلبستگی به محله و ...) و ترس از جرم در مناطق جرم‌خیز چه رابطه‌ای وجود دارد؟ و هزاران سؤال از این دست که این مطالعه با بررسی تطبیقی محلات شهر اهواز، بیشتر بر نقش محله و روابط مردم با آن و در واقع پاسخ به سؤالات اخیر الذکر، تأکید دارد. چرا که در سال‌های اخیر در شهر اهواز شاهد پدیده‌ای کاملاً جدید هستیم و آن سفارش و توصیه‌های ایمنی مردم به همدیگر هنگام خروج از منازل می‌باشد. علاوه بر آن، رواج تعریف خاطرات و تجربه‌های کیف‌قاپی، تعدی، انواع سرقت و ... در اهواز، مصداق دیگری بر رواج احساس ترس از جرم است. البته اقدام‌های تخریبی و انفجارهای کور نیز بر وسعت این مهم، افزوده است. این امر، نویسنده را بر آن داشت که این احساس شوم، را به صورت همه‌جانبه در شهر اهواز مورد بررسی قرار دهد. بنابراین، بررسی حاضر در نظر دارد این سؤال اساسی را پاسخ گوید که آیا ترس از جرم در شهر اهواز ناشی از عوامل فردی است و یا سایر عوامل اجتماعی و اقتصادی نیز در این بین نقش می‌باشند؟ و اساساً نقش نیروی انتظامی در این بین چیست و چگونه می‌توان در این زمینه برنامه‌ریزی نمود که این نیرو بتواند بدون نیاز به افزایش پرسنل جدید، به نیازهای امنیتی شهروندان پاسخ‌گو باشد. در واقع، این مطالعه سعی دارد نشان دهد کدام عوامل به ترس از جرم دامن زده و چه مؤلفه‌هایی می‌تواند این مشکل را محدود نموده و یا آن را به طور کلی بی‌اثر سازد. در یک معنای وسیع‌تر، آیا متغیرهای مربوط به محله، از جمله بی‌نزاکتی، دلبستگی به محله، کیفیت محله و درک جرم در محله با ترس از جرم رابطه دارد و یا خیر؟

پیشینه پژوهش

از نگاه جامعه‌شناسی، مؤلفه‌های مشخصی بر جرم و ترس از جرم اثرگذارند. بر همین اساس، رویکردهای قربانی محور، شرایط حاکم بر تکوین جرم و وقوع بزه‌دیدگی مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد تا بتوان جهت پیشگیری از جرم و کاهش تبعات آن گام برداشت (میرحسینی و صادقی‌فسایی، ۱۳۹۰: ۳۵). بسیاری از مطالعات رابطه مثبتی بین خشونت فیزیکی و قربانی شدن با ترس از جرم گزارش کرده‌اند (ایوانز و فلچر، ۲۰۰۰: ۳۹۵). در حالی که قربانی شدن تا حدی در ترس از جرم نقش دارد، اما دیدگاه قربانی شدن غیرمستقیم در تلاش است تا توضیح دهد که تجربه‌های غیرمستقیم

1. Walklate

2. Evans

3. Fletcher

قربانی شدن، ترس از جرم را گسترده‌تر می‌کند (مایز، ۲۰۰۱: ۱۶۵). در واقع، دیدگاه قربانی‌شدن، این ایده را در بر می‌گیرد که آسیب‌پذیری فیزیکی و اجتماعی بر اساس عوامل جمعیت‌شناختی از جمله جنسیت، نژاد و پایگاه اجتماعی، ترس از جرم را تشدید می‌کند. در همین ارتباط، مطالعات متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد، زنان و افراد مسن که احساس آسیب‌پذیری بیشتری دارند، ترس از جرم را بیشتر گزارش می‌کنند (شافر؛ هیبنر^۳ و باین، ۲۰۰۶: ۲۸۵). از جمله متغیرهای دیگری که در ارتباط با ترس از جرم بسیار مورد توجه قرار دارد، تأثیر بی‌نزاکتی‌های محله‌ای می‌باشد. چرا که گروهی، ارتباط غیرقابل‌انکاری بین ترس از قربانی‌شدن و درک بی‌نزاکتی‌ها یا انحرافات عمومی فیزیکی یا اجتماعی مطرح نموده‌اند (ایوانز و فلچر، ۲۰۰۰: ۳۶۰). معمولاً بی‌نزاکتی‌هایی که در بررسی عوامل مؤثر در قربانی‌شدن مطرح می‌شود عبارت‌اند از: جوانان یاغی، نوشیدن مشروبات الکلی در انظار عمومی، همسایه‌های پرسروصدا، رهاکردن زباله و امثال این‌ها (شافر؛ هیبنر و باین، ۲۰۰۶: ۲۸۸). در همین ارتباط، برخی، نظریه پنجره‌های شکسته را مطرح کرده و اعتقاد دارند این شرایط نیز می‌تواند به طور مؤثری بر احساس عدم امنیت عمومی در میان مردم اثرگذار باشد (داونز^۴ و راک^۵، ۱۹۹۸).

محققان فعال در این عرصه، در پژوهش‌های خود نشان دادند که برای خروج از این دور بسته، باید ابتدا به تعمیق پیوندهای مردم با محله و در نتیجه دلبستگی بیشتر آنها به محل سکونت توجه نمود. این شرایط بر درک ادغام اجتماعی و سرمایه‌گذاری در محله اثر گذاشته و با تقویت این عناصر، کیفیت محله ارتقا پیدا نموده و با این عمل، ترس از جرم به میزان قابل‌ملاحظه‌ای کاهش پیدا خواهد کرد (شافر؛ هیبنر و باین، ۲۰۰۶: ۲۸۷). از آنجاکه بخش قابل‌ملاحظه‌ای از ترس از وقوع جرم به عوامل محله‌ای مربوط است و در نتیجه ترس از جرم، حق بر رفت‌وآمد ایمن و آزاد دچار اختلال جدی می‌شود و افرادی که در معرض ترس از جرم قرار گرفته‌اند، فضای زیست اجتماعی را ایمن و مصون از تعرض تلقی نخواهند کرد (نیکوکار؛ همت پور و غلامی، ۱۳۹۹: ۹).

به‌هرحال، تحقیقات بسیاری این نکته را مورد تأکید قرار داده‌اند که کاهش جرم ممکن است ترس را کاهش ندهد، اما کاهش دادن موقعیت‌های نابسامان ادراک شده و بهبود کیفیت زندگی در محله، ممکن است در کاهش ترس ساکنان تأثیر بیشتری داشته باشد (شافر؛ هیبنر و باین، ۲۰۰۶: ۲۸۸). اساساً، تلقی منفی یک فرد از محله (اکا^۶، ۲۰۲۰)، بر میزان ترس از جرم اثرگذار می‌باشد. برای مایز، احساس نظم یا نظارت اجتماعی و مشاهده بی‌نزاکتی در یک اجتماع محلی و همچنین انسجام محله (مایز، ۲۰۰۱: ۱۸۹) و برای هارتانگل^۷ (۱۹۷۹)، رضایت از محله اثر مهم‌تری در کاهش میزان ترس از جرم

1. Schafer
2. Huebner
3. Bynum
4. Downes
5. Rock
6. Acka
7. Hartangl

دارند. در همین ارتباط، بین^۱ (۱۹۸۵) عنوان می‌دارد که ترس از جرم تابعی از شخص و محیط است. عوامل شخصی همچون سن، جنس، قربانی شدن و تلقی خطرناک بودن محله، به همراه برخی از عوامل محیطی همچون ترکیب قومیتی محله، مراقبت پلیس محلی، مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و نشانه‌های بی‌نزاکتی در یک محله، ترس از جرم را تحت تأثیر قرار می‌دهد (اکا، ۲۰۲۰). البته یکی از مشکلاتی که در این ارتباط مطرح می‌شود، کمبود نیروهای انتظامی و یا حضور دائمی آنها در سطح محله می‌باشد که با نظریه دام کمیابی (مولایتان^۲ و الدار^۳، ۲۰۱۳)، قابل تبیین است. در حقیقت، دام کمیابی بیانگر این نکته است که وقتی به قابلیت‌ها با دید محدود نگریده شده، مشکلات مرتفع نخواهد شد. این در حالی است که با تغییر جزئی در چیدمان نیروها و امکانات، فرصت‌های عظیمی قابل دسترس خواهد بود که بسیاری از مشکلات را حل می‌کند.

واژه ترس از جرم برای نخستین بار در روزنامه‌های دهه ۱۹۳۰ آمریکا برای توصیف پیامد روانشناختی پدیده جنایی به کار گرفته شد. در ادامه، در سال ۱۹۶۷، پیچیدگی‌های بیشتری پیدا نمود و جایگاه متغیرهایی چون سن، جنس و میزان سواد به عنوان تنها بخشی از عوامل اثرگذار بر افزایش و کاهش ترس از جرم مورد توجه قرار گرفت (نیکوکار؛ همت پور و غلامی، ۱۳۹۹: ۱۲). اما اکنون مطالعات مربوط به جرم و ترس از آن، اغلب در قالب مطالعات مربوط به کیفیت زندگی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. بررسی‌های موجود نیز نشانگر آن است که مطالعات مورد اشاره از ابتدای دهه ۷۰ میلادی به شدت مورد توجه محققین بوده است. به طوری که وقتی پیشینه این گونه مطالعات مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، به تحقیقات جامع و کاملی در این زمینه دست پیدا می‌کنیم. در واقع، در ارتباط با کیفیت زندگی مطالعات متعددی به انجام رسیده است و عوامل گوناگونی در این ارتباط مطرح شده است که یکی از آنها جرم و جرم‌خیزی و ترس از جرم در محلات می‌باشد. در ارتباط با ترس از جرم نیز، توافق کاملی وجود ندارد. بنابراین، تدوین فرضیات مورد نیاز در این ارتباط بسیار مشکل است؛ زیرا در تبیین پدیده ترس از جرم، نظریه‌های جامعه‌شناختی متعددی مثل بی‌سازمانی اجتماعی، بوم‌شناسی اجتماعی، جامعه بیم‌زده، قربانی شدن، تأثیر رسانه، آسیب‌پذیری (سراج زاده و گیلانی، ۱۳۸۸: ۲۲۳)، دام کمیابی (مولایتان و الدار، ۲۰۱۳) و ... مطرح شده است. شاید مفاهیم کلی برای بررسی این موضوع یعنی قربانی شدن^۴ امور مربوط به محله^۵ بی‌نزاکتی‌های فیزیکی و اجتماعی^۶ (احمدی؛ سروش و افراسیابی، ۱۳۸۸، ۶۷) و دام کمیابی، بتواند این مشکل را بهتر از سایرین، مرتفع نماید.

علاوه بر ابعاد فوق، محققین دیگر، مؤلفه‌های متعددی را در این بخش مورد توجه قرار داده‌اند که از آن میان می‌توان به مسائل مربوط به جنسیت اشاره نمود که در کارهای میرحسینی و صادقی فسایی (۱۳۹۰) مورد توجه قرار گرفته است.

1. Yin

2. Mullainathan

3. Eldar

4. Victimization

5. Neighborhood Affairs

6. Physical and Social Incivilities

توجه به پایگاه اجتماعی (مدیری، ۱۳۸۵)، نوع و شیوه عملکرد پلیس (ربانی خوراسگانی و همتی، ۱۳۸۷) از موضوعات دیگری است که در اغلب تحقیقات مشاهده می‌شود.

بسیاری از پژوهشگران ابعاد محله‌ای مؤثر در جرم و جرم‌خیزی را مدنظر داشته و به همین دلیل، مؤلفه‌هایی متعددی را برای این منظور معرفی کرده و در عمل مورداستفاده قرار داده‌اند. از جمله این نوع تحقیقات می‌توان به کارهای مختلف اوانز و فلچر اشاره نمود (۲۰۰۰: ۳۶۰). اجزای این مؤلفه‌ها و به‌خصوص جوانان یاغی، نوشیدن مشروبات الکلی در انظار عمومی، همسایه‌های پرسروصدا، رهاکردن زباله‌ها و ... نیز در برخی از کارها مدنظر بوده است (شافر؛ هیبندر و باین، ۲۰۰۶: ۲۸۸). به‌خصوص شرایط فیزیکی و کالبدی محله در این بررسی‌ها بسیار پررنگ مطرح شده است (دانز و راک، ۱۹۹۸). سایر ابعادی که در همین زمینه در تحقیقات اخیر موردتوجه بوده‌اند عبارت‌اند از: توجه به پیوندهای مردم با محله و در نتیجه دل‌بستگی بیشتر آنها به محل سکونت، درک ادغام اجتماعی و سرمایه‌گذاری در محله (شافر؛ هیبندر و باین، ۲۰۰۶: ۲۸۸)؛ توجه به برنامه‌ریزی شهری برای رفع تعارض هنجاری، فردگرایی، غیرشخصی بودن، گسسته شدن روابط نخستین و نظارت‌های غیررسمی که ناشی از شهرگرایی است (لیزکا؛ لورنس و سانچریکو؛ ۱۹۸۲: ۷۶۰)؛ تلقی منفی افراد از محله (اکا، ۲۰۲۰)؛ احساس نظم یا نظارت اجتماعی و مشاهده بی‌نزاکتی در یک اجتماع محلی و همچنین انسجام محله (مایز، ۲۰۰۱: ۱۸۹)؛ رضایت از محله (هارتانگل، ۱۹۷۹)؛ تلقی ترس از جرم به‌عنوان تابعی از شخص و محیط (ین، ۱۹۸۵)؛ بررسی عوامل شخصی همچون سن، جنس، قربانی شدن و تلقی خطرناک بودن محله و عوامل محیطی همچون ترکیب قومیتی محله، مراقبت پلیس محلی، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و نشانه‌های بی‌نزاکتی در یک محله و ... (اکا، ۲۰۲۰).

علاوه بر مطالعات فوق که مؤلفه‌های اساسی احساس عدم امنیت و ترس از جرم را به طور روشن مورد بررسی قرار داده و در این بررسی از آنها به‌عنوان مؤلفه‌های پایه استفاده شده است، سایر محققان نیز در این ارتباط فعالیت گسترده‌ای داشته‌اند که برخی از آنها عبارت‌اند از: دربان آستانه، عسگری و قربانی (۱۳۹۲)؛ باپیری، کمربیگی و درویشی (۱۳۹۴)؛ سلطانی، بیگ‌محمدی و حیدری (۱۳۹۵) و (نیکوکار؛ همت پور و غلامی، ۱۳۹۹: ۹).

همان‌طور که از مختصر فوق بر می‌آید، هیچ یک از بررسی‌های انجام شده، به‌تمامی عوامل مؤثر در بروز ترس از جرم در محلات مسکونی اشاره نکرده و هر یک از آنها به یک یا دو شاخص اصلی، ۵ تا ۱۰ مؤلفه مؤثر و حداکثر ۲۰ متغیر مختلف نظر داشته‌اند و اساساً در ارتباط با تغییر نگرش در سازمان‌های انتظامی، مطلبی مطرح نکرده‌اند. این در حالی است که در این بررسی در مجموع ۴ شاخص اصلی، ۱۴ مؤلفه و حداقل ۳۰ متغیر متفاوت مدنظر بوده و تلاش نموده است اثر آنها را در احساس ترس در محلات مسکونی موردبحث و بررسی قرار دهد. در کنار آن با تأکید بر نظریه دام کمیایی، به مسئله حضور و آمادگی پلیس نیز توجه ویژه‌ای شده است. براین‌اساس، مدل مفهومی تحقیق مطابق شکل شماره ۱، تهیه و تنظیم شده است.

1. Liska

2. Lawrence

3. Sanichirico

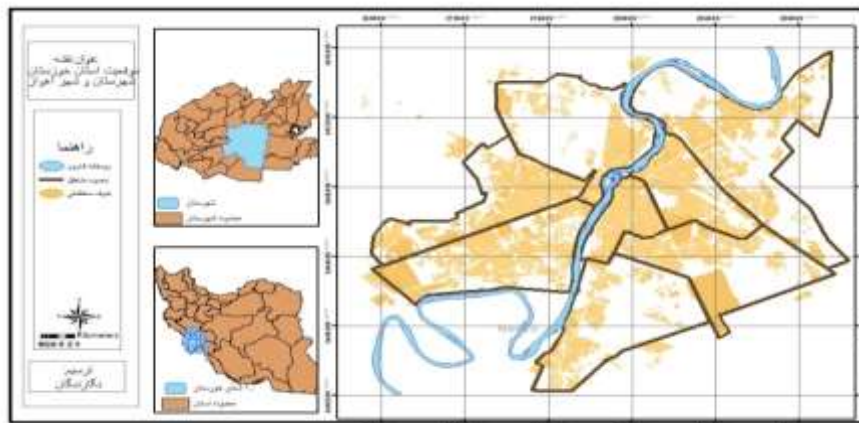
روش‌شناسی پژوهش

براین اساس، سؤال اصلی تحقیق به این شکل بیان شده است که اساساً ترس از جرم در شهر اهواز تحت تأثیر کدام عوامل تشدید می‌گردد. اگرچه برای تبیین بیشتر موضوع، سؤالات جزئی‌تر فراوانی مطرح شد، اما تأکید اصلی بر این سؤال بود که اصولاً نقش متغیرهای شخصی و محیطی در ترس از جرم در محلات شهر اهواز چیست و ویژگی‌های محیطی چه نقش و جایگاهی را به خود اختصاص داده‌اند؟



شکل ۱. مدل مفهوم تحقیق

محدوده مورد بررسی در این مطالعه شهر اهواز بود. این شهر با موقعیت جغرافیایی ۳۱ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۴۰ دقیقه طول شرقی، یکی از کلان شهرهای کشور است (شکل ۲). جمعیت این شهر در آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۵ حدود ۱۲۸۵۰۰۰ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸). اهواز یکی از مهم‌ترین مراکز صنعتی ایران است و همین امر سبب شده که مهاجران بسیاری را در خود بپذیرد. وجود مهاجران متعدد از اقصی نقاط ایران و همچنین مشکلات اقتصادی و اجتماعی، باعث شده است که مسائل مربوط به امنیت و ایمنی، به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ساکنین این شهر تبدیل گردد. به طوری که در همین ارتباط یکی از محققین اعلام می‌کند که اهواز در دهه اخیر به شهری بی‌قاعده تبدیل شده است. وی بر اساس مشاهدات خود نتیجه‌گیری می‌کند که هم‌اکنون بزهکاری و اعمال خشونت‌آمیز در اهواز به یک پدیده آشنا و متداول تبدیل شده است و احساس ترس و ناامنی در بین مردم را به شدت افزایش داده است (استادیان، ۱۳۹۲: ۲). همین نگرانی‌ها محقق را بر آن داشت تا ابتدا میزان ترس از جرم را در محلات مختلف مورد بررسی قرارداد و شیوه مدیریت و یا کاهش آن را پیشنهاد نماید.



شکل ۲. موقعیت شهر اهواز در ایران، استان خوزستان و شهرستان اهواز

یافته‌های پژوهش

بررسی داده‌های گردآوری شده نشان داد که پاسخگویان بین ۲۵ تا ۶۰ سال سن داشته‌اند. از نظر جنسیت، قریب به ۵۳ درصد از پاسخگویان آقا و بقیه خانم بوده‌اند. از نظر وضعیت تأهل نیز حدود ۶۳ درصد متأهل، ۲۴ درصد مجرد و بقیه در زمان بررسی به دلایل مختلف (فوت و طلاق) بدون همسر بودند.

از نظر سطح تحصیلات نیز نمونه مورد بررسی گروه‌های مختلفی را شامل می‌شد، اما افراد با تحصیلات بیش از ابتدایی و راهنمایی با ۳۱ درصد بالاترین سهم را به خود اختصاص داده بودند. بعد از این گروه، افراد دارای سواد ابتدایی و کمتر قرار داشتند که بیش از ۲۷ درصد نمونه را شامل می‌شدند. گروه‌های دبیرستانی با ۲۶ درصد در ردیف سوم قرار داشتند. سایر افراد نیز سوادی در حد دیپلم و بالاتر داشتند.

از نظر مالکیت مسکن مورد استفاده نیز اغلب افراد مورد پرسش صاحب‌خانه تلقی شده و کمتر از ۳۲ درصد از آنان در مسکنی زندگی می‌کردند که مالکیت آن را در اختیار نداشتند. از نظر درآمدی نیز جمعیت نمونه در حد متوسط قرار داشته و به طور میانگین یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان در ماه درآمد داشته‌اند که از حداقل ۹۰۰ هزار تا سه میلیون تومان متفاوت بوده است. مدت اقامت در محله از حداقل ۶ تا حداکثر ۶۰ سال متفاوت بوده و به طور میانگین ۱۸ سال اعلام شده است. متوسط فرزندان نیز دو نفر و از حداقل ۰ تا ۶ فرزند متفاوت بوده است.

آماره‌های توصیفی مورد نظر در این تحقیق شامل متغیرهای بی‌نزاکتی، ادراک جرم در محله، ترس از جرم و ابعاد متفاوت آن (احساس امنیت، نگرانی از قربانی شدن جان و مال) بودند که احساس امنیت با استفاده از یک طیف چهار گویه‌ای، ترس از قربانی شدن از جهت مالی و جانی هر دو با استفاده از طیف‌های ۵ گویه‌ای عملیاتی شده‌اند (جدول شماره ۱).

تفاوت در میانگین‌های گزارش شده میان گروه‌های جمعیت‌شناختی در دو مورد خاص یعنی زنان و مردان و قومیت معنادار بوده است. همچون اکثر تحقیقات به انجام رسیده در این رابطه، در این تحقیق میانگین همه ابعاد ترس از جرم برای زنان بیش از مردان بوده است. علاوه بر آن، میزان ترس گروه‌های قومی متفاوت بوده و نشانگر آن است که گروه‌های قومی مختلف میزان ترس متفاوتی را گزارش نموده‌اند. در این بررسی، تحصیلات، وضعیت تأهل و سایر پارامترهای

جمعیت‌شناسی، هیچ تفاوت معناداری در ترس از جرم و ابعاد آن نشان نداده‌اند.

جدول ۱. مقایسه میانگین‌های متغیرهای ترس از جرم و متغیرهای اسمی و رتبه‌ای

متغیر	گروه	ترس از جرم							
		پاداد شهر	کیان پارس	زیتون کارمندی	منبع طبیعی	مهدیس	لشکر	منبع آبی	فاز ۲ پاداد
نسبت	زن	۳۹/۹۷	۴۷/۹۶	۴۰/۰۱	۴۷/۳۲	۳۹/۰۳	۴۷/۰۲	۳۵/۹۷	۳۹/۳۲
	مرد	۳۲/۶۸	۳۹/۲۲	۳۲/۸۳	۳۸/۹۸	۳۳/۲۱	۳۲/۸۷	۲۹/۴۱	۳۱/۹۸
	T*	۲/۰۹	۲/۳۱	۲/۱۲	۱/۳۵	۲/۰۸	۲/۰۸	۲/۰۲	۲/۰۸
رتبه	بی‌سواد و ابتدایی	۳۲/۵۴	۳۵/۳۲	۳۲/۲۳	۳۷/۲۵	۳۵/۱۲	۳۲/۳۱	۳۱/۲۱	۳۲/۳۰
	راهنمایی	۳۵/۳۳	۳۶/۳۳	۳۶/۳۰	۳۵/۲۳	۳۵/۱۳	۳۳/۳۵	۳۳/۲۵	۳۵/۵۹
	دبیرستان	۳۲/۵۶	۳۳/۶۸	۳۲/۵۰	۳۲/۵۰	۳۲/۰۱	۳۱/۲۶	۳۰/۴۶	۳۱/۸۷
	دیپلم	۳۱/۹۷	۳۴/۷۷	۳۱/۸۸	۳۲/۰۰	۳۱/۰۰	۳۵/۲۵	۲۹/۲۹	۳۲/۱۲
	بالتر از دیپلم	۲۷/۱۹	۲۸/۸۷	۲۸/۲۰	۲۸/۱۲	۲۶/۲۰	۳۱/۲۳	۲۸/۴۵	۲۶/۸۹
	F	۱/۶۷	۱/۷	۱/۱۳	۱/۵۰	۱/۶۰	۱/۶۲	۱/۴۹	۱/۵۹
	عرب	۳۲/۰۶	۳۳/۰۰	۳۳/۹۸	۳۵/۱۲	۳۳/۱۲	۳۲/۲۵	۳۰/۱۲	۳۲/۱۲
	لر	۳۳/۶۲	۳۴/۲۵	۳۴/۱۲	۳۵/۳۳	۳۳/۲۵	۳۴/۲۶	۳۱/۲۶	۳۴/۴۵
رتبه ناهل	سایر	۳۴/۸۳	۳۵/۲۳	۳۴/۰۲	۳۶/۱۲	۳۴/۵۲	۳۵/۴۵	۳۳/۳۸	۳۵/۷۴
	F*	۷/۱۴	۵/۲۱	۶/۱۲	۷/۱۵	۵/۲۳	۶/۲۴	۷/۱۹	۶/۱۴
	مجرد	۳۱/۸۵	۳۲/۲۵	۳۱/۲۵	۳۵/۱۲	۳۲/۳۳	۳۴/۲۳	۳۰/۲۳	۳۱/۲۵
	متاهل	۳۳/۷۸	۳۵/۲۸	۳۲/۲۵	۳۴/۲۹	۳۴/۲۳	۳۵/۳۰	۳۲/۵۵	۳۳/۲۵
	بدون همسر	۳۳/۳۲	۳۳/۳۵	۳۳/۱۲	۳۴/۱۲	۳۰/۳۲	۳۴/۲۲	۳۲/۳۰	۳۳/۲۵
F	۰/۸۶	۰/۹۸	۱/۰۲	۱/۱۱	۰/۷۸	۱/۰۲	۰/۸۵	۱/۰۰	

*P<0.05

جدول شماره ۲، همبستگی پیرسونی بین متغیرهای فاصله‌ای و متغیر وابسته را نشان می‌دهد. نتایج این جدول مشخص می‌سازد که سن و میزان درآمد، رابطه معناداری با متغیر وابسته و ابعاد آن نشان نداده است. تنها عدد معنادار، رابطه میان ترس از جرایم علیه اموال و تعداد سال‌هایی است که پاسخگو در محله زندگی کرده است. در این مورد خاص، رابطه منفی و در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنادار است. این نتیجه، به این معنا است که هر چه فرد مدت بیشتری در محله ساکن بوده باشد، کمتر در باره جرایم علیه اموال نگرانی دارد. براین اساس، می‌توان چنین عنوان داشت که رابطه معنی‌داری بین متغیرهای جمعیت‌شناسی و ترس از جرم وجود نداشته است.

جدول ۲. همبستگی پیرسون بین ترس از جرم و متغیرهای فاصله‌ای

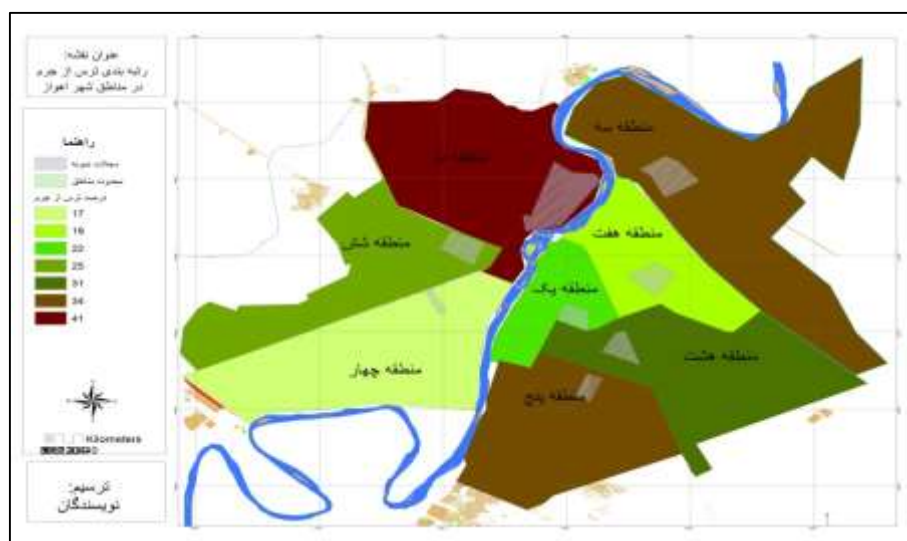
متغیر	احساس امنیت	ترس از جرایم علیه اموال	ترس از جرایم علیه اشخاص	ترس از جرم
سن	۰/۰۶	-۰/۰۴	-۰/۰۵	-۰/۰۳
درآمد	۰/۰۵	-۰/۰۰۵	-۰/۰۴	-۰/۰۴
طول اقامت	-۰/۰۷	۰-/۱۱	-۰/۰۴	۰/۰۴
مالکیت مسکن	-۰/۰۷	-۰/۰۱	۰/۰۲	-۰/۰۴
نگرش نسبت به محله	۰/۰۰۵	-۰/۲۴	-۰/۲۲	-۰/۲۴
دلبستگی به محله	-۰/۰۴	-۰/۵	-۰/۱۵	-۰/۱۶
نگرش نسبت به پلیس	۰/۰۳	-۰/۱۷	-۰/۱۷	-۰/۱۶
بی‌نزاکتی	-۰/۰۴	۰/۴۱	۰/۴۸	۰/۴۷
ادراک جرم	-۰/۰۵	۰/۳	۰/۵	۰/۴
آسیب‌پذیری	-۰/۰۳	۰/۰۷	۰/۰۴	۰/۰۶

یکی دیگر از اهداف تحقیق حاضر آن بود که رابطه بین متغیرهای مربوط به محله و ترس از جرم مورد آزمون قرار گیرد. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که هر چه ساکنان محله از نظر اجتماعی و فرهنگی همگن‌تر و منسجم‌تر باشند، ترس کمتری از جرم دارند. این امر در محله منبع آب که اکثریت ساکنین آن لر و بختیاری هستند، مشهود است. در واقع، همگنی قومی باعث افزایش اعتماد به همدیگر و در نهایت موجب کاهش میزان ترس از جرم نزد ساکنین شده است. در این رابطه، تحقیقی در محله لشکرآباد (نهبست آباد) اهواز که بیش از ۹۵ درصد ساکنین آن عرب می‌باشند، صورت گرفته است که طبق آن، تنها ۲۵ درصد ساکنین محله احساس ناامنی می‌کردند، در صورتی که از نظر ساکنین سایر محلات، امنیت این محله بسیار نازل و کم عنوان شده است (موحد، مسعودی و دولت‌شاهی، ۱۳۸۶: ۵). همچنین در تحقیقی دیگر در محله عرب‌های ملک شهر اصفهان، محققین خاطرنشان کردند که احساس امنیت در محله در سطح نازلی قرار دارد و این ناامنی موجود در محله را معلول تنوع قومی دانسته‌اند (ربانی و ربیعی، ۱۳۸۹: ۸). توجه به مقوله تأمین امنیت با رفع تمامی موانع موجود در این مسیر، زمانی اهمیت و جایگاه خود را بهتر نشان می‌دهد که بدانیم، احساس امنیت در آرامش و میزان رضایتمندی مردم از حاکمیت نقش مهمی دارد. علاوه بر آن، توسعه و تحول کشور بر بستر امنیت امکان‌پذیر است؛ احساس امنیت موجب اعتماد به نفس شهروندان (حبیبی و معصومی، ۱۳۹۵: ۱۲۱) شده و پیامدهای مثبت بعدی را به دنبال دارد. به‌هرحال، متغیرهایی از قبیل کیفیت محله، نگرش نسبت به محله، مالکیت خانه (به‌عنوان نشانه‌ای از سرمایه‌گذاری در محله)، دلبستگی به محله، نگرش نسبت به پلیس، ادراک بی‌نزاکتی و ادراک جرم در محله در نظر گرفته و اندازه‌گیری شدند.

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، احساس امنیت رابطه معناداری با متغیرهای محله‌ای نداشته است. اما این امر در مورد ترس از جرایم علیه اموال و اشخاص و همین‌طور ترس از جرم به‌طور کلی صادق نیست.

بر اساس یافته‌های این بررسی، کیفیت محله، رابطه منفی و معناداری با ترس از جرایم علیه اموال و اشخاص و ترس از جرم به‌طور کلی نشان داده است. ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده نشان می‌دهد که قدرت رابطه تقریباً برای همه ابعاد یکسان است و نشانگر آن است که هر چه کیفیت محله بیشتر باشد، فرد کمتر از جرایم علیه اموال و اشخاص احساس ترس می‌کند. همین امر نیز موجب افزایش میزان ترس از جرم در محله منابع طبیعی شده است. این شرایط، به

دلیل قرارگرفتن محله مذکور در مجاورت محلات حاشیه‌نشین، توجیه‌پذیر است. به همین ترتیب، دل‌بستگی به محله و نگرش نسبت به نیروی انتظامی به صورت منفی و معناداری با نگرانی از جرایم علیه اموال و اشخاص و ترس رابطه داشته است. در واقع، همان‌طور که حضور پرتراکم پلیس مشکلاتی را به وجود می‌آورد، عدم دسترسی به این نیروها نیز تنگناهای متعددی را در پی می‌آورد. بی‌نزاکتی و ادراک جرم باقوت زیادی به ترس مربوط بوده‌اند. ادراک بی‌نزاکتی قدرت پیش‌بینی بیشتری در مورد ترس از جرم دارد. بی‌نزاکتی و ادراک جرم در مورد ترس از جرایم علیه اشخاص قدرت پیش‌بینی بیشتری نشان داده‌اند و در مورد جرایم علیه اموال، ادراک بی‌نزاکتی از همه متغیرها اهمیت بیشتری داشته است. ساکنین محله لشکرآباد، بیشترین آمار بی‌نزاکتی را گزارش کرده‌اند که همین امر موجب افزایش میزان ترس از جرم در این محله شده است (شکل ۳).



شکل ۳. نموداری برای نمونه

در واقع، می‌توان گفت تجربه تعرض و تعدی (که عمدتاً به دلیل عدم دسترسی سریع و به موقع به پلیس بوده است)، از مهم‌ترین دلایل ایجاد و افزایش ترس از جرم می‌باشد. توجیهاات نیروهای انتظامی در این ارتباط نیز قابل توجه است. مهم‌ترین مشکل در این ارتباط، فقدان نیروی کافی و عدم پاسخگویی به موقع اعلام شد. اما با توجه به رهنمودهایی که ارائه گردید، بخشی از این مشکل مرتفع گردید. به این نحو که از مسئولین این بخش درخواست شد، مطابق اصل‌رهایی از دام کمیابی، به جای اشتغال تمام نیروها، یک یا تعدادی از آنها برای شرایط اورژانسی به عنوان نیروی آماده، در نظر گرفته شوند تا در صورت بروز شرایط خاص، امکان عکس‌العمل سریع وجود داشته باشد. این طرح در زمان انجام مطالعه نتایج بسیار مناسبی داشت و امیدوار است همچنان ادامه داشته و در سایر شرایط نیز مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

در این تحقیق، ارتباط بین ادراک آسیب‌پذیری جسمی و اجتماعی و ترس از جرم نیز مورد بررسی قرار گرفت. چرا که یکی از عوامل محتمل ترس از جرم، آسیب‌پذیری درک شده برای محافظت از خود در برابر جرم است. جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که متغیر میزان آسیب‌پذیری ادراک شده، رابطه معناداری با ترس از جرم نشان نداده است. به نظر می‌رسد که ادراک آسیب‌پذیری با احساس امنیت، نگرانی از جرایم علیه اموال و اشخاص و ترس از جرم به‌طور کلی ارتباطی

نداشته باشد. برای آن که مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر ترس از جرم تعیین شود، از رگرسیون خطی و به طور ویژه از روش گام‌به‌گام بهره‌برداری شده است. نتایج حاصل از این محاسبات در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیون به روش گام‌به‌گام

متغیر	R ²	S.E	Beta	T	Sig.T
بی‌نزاکتی	۲۱	۱۰/۲۵	۰/۴۷	۷/۴	۰/۰۰۰

همان‌طور که در جدول فوق مشخص می‌گردد، از میان متغیرهایی که در تحلیل‌های دومتغیره، رابطه معناداری با ترس از جرم نشان داده بودند (نگرش نسبت به محله، کیفیت محله، دلبستگی به محله، نگرش نسبت به نیروی انتظامی، ادراک جرم و بی‌نزاکتی) تنها ادراک بی‌نزاکتی وارد معادله رگرسیون شده است و ۱۹ درصد از متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. در این بین، بر اساس نظرخواهی انجام شده در محله لشکرآباد اهواز، اولویت‌های ساکنین محل نشان می‌دهد که ۴۳ درصد مردم مشکلات بهداشتی و ۲۹ درصد ازدحام و شلوغی را به‌عنوان محدودیت‌های محله اعلام کرده‌اند که مسئول همه محدودیت‌ها و مشکلات محله از دید ساکنان، شهرداری و نیروی انتظامی می‌باشد (موحد؛ مسعودی و دولشاهی، ۱۳۸۶: ۹). اما با توجه به شیوه جدید دسترسی به نیروی انتظامی، امیدوار است که مشکل نیروی انتظامی به سرعت مرتفع شده و نارضایتی از این نیروها به کمترین حد ممکن کاهش پیدا نماید.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

سؤال اصلی این پژوهش آن بود که کدام عوامل به ترس از جرم دامن زده و چه مؤلفه‌هایی می‌تواند این شرایط را تعدیل نموده و از بین ببرد؟ یافته‌های بررسی نشان داد که در این بین عوامل متعددی ذی مدخل می‌باشند و نمی‌توان بر یک عامل واحد تاکید نمود. بر این اساس، اولین یافته آن بود که متغیرهای جمعیت‌شناختی و فردی در جایگاه نخست قرار ندارند. این یافته در تحقیقات دیگری نیز مورد تأیید قرار گرفته بود. به‌عنوان نمونه، در تحقیق ربانی خوراسگانی و همتی (۱۳۸۷)، عوامل فردی (سن، جنس، درآمد خانوار، تحصیلات) در مقایسه با عوامل زمینه‌ای (تلقی از خطر، رضایت از محل، نگرش به پلیس و منطقه سکونت) از توان تبیینی لازم برخوردار نبودند (ربانی خوراسگانی و همتی، ۱۳۸۷: ۵۸). اما تحقیقاتی وجود دارد که رابطه ابعاد بی‌سازمانی با ترس از جرم را در قالب نظریه بی‌سازمانی تأیید می‌کنند (سراج زاده و گیلانی، ۱۳۸۸: ۲۲۳). نتایج مربوط به تفاوت شرایط مردان و زنان در قبال ترس از جرم متفاوت است. با این وجود، تحقیقات متعددی نشان دادند که زنان بیشتر از قربانی شدن (به‌خصوص در مورد جرایم علیه اشخاص) می‌ترسند. گروهی نیز ترس بیشتر زنان از جرایم علیه اشخاص به دلیل آزارهای جنسی را تأیید نموده‌اند (فرضیه سایه‌ای) (شافر؛ هیینر و باین، ۲۰۰۶: ۲۸۵). در واقع، معمولاً زنان با احتمال کمتری قربانی جنایات می‌شوند و اکثر قربانیان جرایم علیه اشخاص را مردان تشکیل می‌دهند. بنابراین، این تحقیق از فرضیه قربانی شدن پشتیبانی می‌کند.

با وجودی که برخی از محققان اعلام داشته‌اند که اثر سطوح جمعیتی بر میزان ترس از جرم چندان مشخص نمی‌باشد، اما تحقیقاتی هم تراکم و تراجم جمعیت را بی‌تأثیر ندانسته‌اند. به‌عنوان مثال، حقیقی و سورنسن (۱۹۹۶) اعلام کردند که با افزایش سن، ترس از جرم افزایش می‌یابد. اما پرکینز و تیلور (۱۹۹۶: ۶۳)، سن را متغیر بی‌اهمیتی می‌دانند. در این تحقیق نیز سن، رابطه معناداری با ترس از جرم و ابعاد آن نشان نداده است.

رابطه بین میزان درآمد و ترس از جرم در این تحقیق معنادار نبوده است. درآمد، تغییر معناداری در ترس از جرم ایجاد نمی‌کند. این نتیجه بر خلاف یافته‌های قبلی که دریافته‌اند ترس از جرم با پایگاه‌های پایین‌تر اقتصادی اجتماعی افزایش می‌یابد، رابطه‌ای میان میزان درآمد و ترس از جرم نیافته است.

یکی از علل مهم ترس از جرم، مشاهده بی‌نزاکتی است. این شرایط بیانگر آن است که ترس از جرم نه‌تنها کیفیت احساس امنیت اجتماعی را علی‌رغم وجود آن در جامعه تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، بلکه موجبات محدودیت و ناتوانی شهروندان برای استفاده مناسب از حقوق و آزادی‌های اولیه آنها را نیز فراهم می‌آورد (نیکوکار؛ همت پور و غلامی، ۱۳۹۹: ۸-۹). در همین ارتباط، اسکوگان (۲۰۱۹: ۲۷) دریافت که بی‌نزاکتی نشانه‌هایی از جرم و سازوکارهایی هستند که نشان می‌دهند، نظم محله در حال فروریختن بوده و آماده قانون‌شکنی است. رضایت از محله یکی از قوی‌ترین پیش‌بین‌های ترس از جرم بوده و رابطه معکوس آن نشان می‌دهد که رضایت از محله، ترس از جرم را کاهش می‌دهد. این نتایج، با تحقیقات قبلی همخوانی دارد.

در بررسی حاضر، نگرش نسبت به محله و مالکیت خانه رابطه معناداری با ترس از جرم نداشت. این نتیجه با یافته‌های علی‌خواه و تجیبی ربیعی (۱۳۸۵: ۱۰۹)، همخوانی دارد که اعلام کردند، زنانی که در محله آنها ساختمان‌ها و زمین‌های متروکه کم‌تر بوده و زنانی که از فعالیت‌های پلیس رضایت بیشتری داشته‌اند، میزان ترس از جرم را کمتر اعلام کرده‌اند. مطابق نتایج این بررسی، در یک منطقه جرم‌خیز، خصوصیات محله مهم‌تر از متغیرهای جمعیت‌شناختی و فردی است؛ بنابراین، می‌توان گفت که در این مورد، فرضیه آسیب‌پذیری معتبر نبوده و فرضیه قربانی‌شدن، اهمیت بیشتری دارد.

از آنجا که متغیرهای محله‌ای بسیار بااهمیت بوده و رابطه منفی با ترس از جرم را برقرار می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت برنامه‌های جلوگیری از جرم از طریق طراحی محیطی می‌تواند ترس از جرم را کاهش دهد. مشارکت ساکنان در مدیریت محله می‌تواند کیفیت زندگی در آن را افزایش داده و محله‌ای بسازد با بی‌نزاکتی و جرایم آشکار کمتر و در نتیجه ترس پایین‌تر. واقعیت آن است که در حال حاضر، سازوکارهای تأمین امنیت غالباً مبتنی بر ظرفیت نهادهای امنیت‌ساز است و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان محوری‌ترین نهاد در مقوله امنیت عمومی، مسئولیت برقراری نظم و امنیت جامعه را عهده‌دار است. اما بسیاری از مسئولین در این حوزه ادعا دارند که امکانات و نیروهای آنها پاسخگوی این نیاز نیست. با وجود آن که در این زمینه استفاده از مشارکت مردم و پلیس جامعه‌محور ضروری است (حبیبی و معصوم‌بیگی، ۱۳۹۵: ۱۲۲)، اما تجدید ساختار تصمیم‌گیری و شیوه عمل در نیروهای انتظامی نیز باید دگرگون شود. در حقیقت، برخی از روندهای موجود بسیار قدیمی بوده و در دنیای مدرن کنونی کارایی چندان ندارد. به این منظور، باید بدون ایجاد ترس و نگرانی از طریق گونه‌گذاری، تغییرات تدریجی و به‌دور از دام کیمایی، این روندها را به‌تدریج اصلاح نمود.

منابع

- احمدی، حبیب، سروش، مریم و افراسیابی، حسین (۱۳۸۸). ترس از جرم در مناطق جرم‌خیز شهر شیراز. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳(۳)، ۶۵-۸۰.
- استادیان، ندا (۱۳۹۲). *بررسی عوامل جرم‌قتل در شهر اهواز و راه‌های پیشگیری از آن*. تهران: انتشارات حق‌گس‌تر.
- ایمانی، بهرام و رحمتی، منصور (۱۳۹۷). سنجش میزان احساس امنیت اجتماعی در مناطق روستایی (مورد مطالعه: روستاهای دهستان برادوست شهرستان ارومیه). *پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی*، ۳(۳)، ۵۷-۸۴.
- بایبری، امید علی، کمربگی، خلیل و درویشی، فرزاد (۱۳۹۴). بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی و برخی عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: دانشجویان استان ایلام). *مجله فرهنگ ایلام*، ۱۶(۴۷)، ۷۵-۹۰.
- حبیبی، صفر و معصوم‌بیگی، مهدی (۱۳۹۵). راهبردهای ناجا در ارتقای امنیت عمومی با تاکید بر ظرفیت‌های مردمی. *پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی*، ۹(۴۹)، ۱۲۱-۱۴۴.
- دربان آستانه، علیرضا، عسگری، حشمت اله و قربانی، فاطمه (۱۳۹۲). تحلیل فضایی و پهنه‌بندی احساس امنیت روستاییان شهرستان شیروان و چرداول. *فصلنامه دانشگاه گلستان*، ۳(۹)، ۱۰۵-۱۲۶.
- ربانی، رسول و ربیعی، کامران (۱۳۸۹). بازتولید اجتماع غریبه‌ها، مورد محله عرب‌های ملک شهر اصفهان. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱(۳)، ۴۳-۶۳.
- ربانی خوراسگانی، رسول و همتی، رضا (۱۳۸۷). تبیین جامعه‌شناختی ترس از جرم، مطالعه موردی شهروندان زنجان. *جامعه‌شناسی ایران*، ۹(۳۴)، ۵۸-۸۸.
- سراج زاده، حسین و گیلانی، اشرف (۱۳۸۸). بی‌سازمانی اجتماعی و ترس از جرم، مطالعه مقایسه‌ای مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران. *رفاه اجتماعی*، ۹(۳۴)، ۲۲۳-۲۴۴.
- سلطانی، لیلا، بیک‌محمدی، حسن و حیدری، سمیه (۱۳۹۵). تحلیل فضایی احساس امنیت در محلات مختلف شهری در شهر قدس پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۵(۱۴)، ۸۷-۱۰۴.
- علی‌خواه، فردین، نجیبی ربیعی، پروین (۱۳۸۵). زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری. *رفاه اجتماعی*، ۶(۲۲)، ۱۳۱-۱۰۶.
- مدیری، آتوسا (۱۳۸۵). جرم و خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری. *رفاه اجتماعی*، ۲۲، ۱۱-۲۸.
- موحد، علی، مسعودی، ندا و دولتشاهی، صدیقه (۱۳۸۶). بررسی ابعاد اجتماعی و فرهنگی برای توانمندسازی بافت فرسوده شهری، مطالعه موردی محله نهضت آباد اهواز، اولین همایش بهسازی و نوسازی، مشهد، ۲۰ و ۲۱ آذر ۱۳۸۶.
- میرحسینی، زهرا و صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر بزه‌دیدگی زنان شهر تهران. *زن در توسعه و سیاست*، ۹(۱)، ۳۵-۶۲.
- نیکوکار، حمیدرضا؛ همت پور، بهاره و غلامی، حسین (۱۳۹۹). *ترس از جرم*. تهران: انتشارات میزان.

- Ackah, Y. (2020). Fear of Crime Among an Immigrant Population in the ashington DC Metropolitan Area. *Journal of Black Studies*, 30(1): 553-573.
- Ahmadi, H., Soroush, M. & Afrasiabi, H. (2012). Fear of crime in criminal areas of Shiraz. *Applied Sociology*, 34 (3), 80-65. (in Persian)
- Alikhah, F. & Najibirbi, P. (2006). Women and fear of crime in urban areas. *Social Welfare*, 6 (22), 131-106. (in Persian)
- Bapiri, O., Kamarbigi, K. & Darvishi, F. (2015). Assessing the feeling of social security and some related factors (Case study: students of Ilam province). *Journal of Ilam Culture*, 16 (47), 90-75. (in Persian)
- Darbaneh Astaneh, A., Asgari, H. & Ghorbani, F. (2013). Spatial analysis and zoning of the sense of security of the villagers of Shirvan and Chardavol. *Golestan University Quarterly*, 3 (9), 126-105. (in Persian)
- Downes D. & Rock P. (1998). *Undrestanding Deviance*. oxford: Oxford University Press.
- Evans, D. & Fletcher, M. (2000). Fear of crime testing alternative hypothesis. *Applied Geography*, 20 (1), 395- 411.
- Habibi, S. & Masoom Beigi, M. (2015). NAJA strategies in promoting public safety with emphasis on people's capacities. *Law Enforcement Order and Security*, 9 (49), 144-121. (in Persian)
- Haghighi, B. & Sorensen, J. (1996). American's fear of crime. *Americans View Crime and Justice*, 2, 16-30.
- Hartangl, T. (1979). The perception and fear of crime implication for neighborhood cohesion, social activity and community affects. *Social Forces*, 58 (1), 179-193.
- Imani, B & Rahmati, M. (2018). Assessing the feeling of social security in rural areas (Case study: villages of Bradost rural district of Urmia city). *Law Enforcement Order and Security*, 15 (3), 84-57. (in Persian)
- Lee, Y.J. (2008). Subjective quality of life measurement in Taipei. *Bulidin and Environment*, 43, 1205-1215.
- Liska, A., Lawrence, J. & Sanchirico, A. (1982). Fear of crime as asocial fact. *Social Forces*, 60 (2), 760- 770.
- Mays, M. (2001). *The Structural Determinants of Fear of Crime*. Arlington: The University of Texas.
- Mir Hosseini, Z. & Sadeghi Fasaei, S. (2011). Investigating the effective factors on female victimization in Tehran. *Women in Development and Politics*, 9 (1), 62-35. (in Persian)
- Modiri, A. (2006). Crime and violence and a sense of security in urban public spaces. *Social Welfare*, 22, 28-11. (in Persian)

- Movahed, A., Masoudi, N. & Dolatshahi, S. (2007). *Investigating the social and cultural dimensions for empowering the worn-out urban fabric*. The first conference on improvement and renovation, Mashhad, December 11 and 11, 2007. (in Persian)
- Mullainathan, S. & Eldar, S. (2013). *Scarcity*. Macmillan: Times Books.
- Nikokar, H., Hemmatpour, B. & Gholami, H. (2021). *Fear of crime*. Tehran: Mizan Publications. (in Persian)
- Ostadian, N. (2013). *Investigating the causes of murder in Ahvaz and ways to prevent it*. Tehran: Hagh Gostar Publications. (in Persian)
- Perkins, D. & Taylor, R. (1996). Ecological assessments of community disorder, Their relationship to fear of crime and theoretical implications. *American Journal of Community Psychology*, 24 (2), 63-107.
- Rabbani Khorasgani, R. & Hemmati, R. (2009). Sociological explanation of fear of crime, a case study of Zanjani citizens. *Sociology of Iran*, 9 (34), 88-58. (in Persian)
- Rabbani, R. & Rabiee, K. (2011). Reproduction of the community of strangers, the case of the Arab neighborhood of Malek in Isfahan. *Study of Social Issues in Iran*, 1 (3), 63-43. (in Persian)
- Schafer, J., Huebner, T. & Bynum, T. (2006). Fear of crime and criminal victimization, gender-based contrasts. *Criminal Justice*, 34 (1), 285-301.
- Sirajzadeh, H. & Gilani, A. (2009). Social Disorganization and Fear of Crime, A Comparative Study of Districts 3 and 12 of Tehran. *Social Welfare*, 9 (34), 244-223. (in Persian)
- Skogan, W. (2019). *Disorder and Decline, Crime and the Spiral of Decay in American Neighborhoods*. New York: Free Press.
- Soltani, L., Bik Mohammadi, H. & Heidari, S. (2015). Spatial analysis of the feeling of security in different urban areas in the city of Quds. *Strategic Research*, 5 (14), 104-87. (in Persian)
- Taylor, R. B. (1996). Neighborhood responses to disorder and local attachment. *Sociological Forum*, 11 (1), 41-74.
- Walklate, S. (1998). Crime and community. *The British Journal of Sociology*, 49 (1), 550-569.
- Yin, P. (1985). *Victimization of The Aged*. New York: Springfield

